

اهمیت

آب

در دین مبین اسلام

اعداد: استاد عبدالقادر

کمپوز: محمد کریم ملاخیل

هدایت در مورد استفاده از آب برای صحت

قسمکه آب مادهء حیاتی برای جهان بشریت است، و عنصر تجزیوی مواد غذایی میباشد که بدن موجودات زنده نمیتواند بدون داشتن آب از مواد غذایی استفاده نماید. روی این ملحوظ همانقدر که موجودیت آب ضرورت است. همچنان پاکی و صفایی، و شفافیت آن برای استفاده در بدن چیزی لازمی می باشد، چرا که اگر آب نوشیدنی پاک و صفا نباشد، خود باعث انتقال امراض و اسقام در بدن میشود که بالاخره میتواند سبب هلاکت شود. روایت مسلم، ج/۱/ص/۱۷۳ حدیث/۶۵۳.

از این جاست که دین مقدس اسلام در توجه با پاک نگهداشتن آب بسیار زیاد ترکیز نموده و پیروان خود را متوجه آن ساخته است چنانچه جابر(ع) از پیامبر^(ص) روایت میکند و میفرماید: ((نهی رسول الله^(ص) ان یبال فی الماء الراکد)) منع فرمود پیامبر^(ص) از اینکه در آب استاده ادراار صورت گیرد)) رواه مسلم.

در روایت دیگری از ترمذی پیغمبر^(ص) چنین فرموده اند:

((ان الله طیب، یحب الطیب، نظیف یحب النظافة، کریم یحب الکریم، جواد یحب الجود، فنظفوا افنیتکم ولا تشبهوا بالیهود)) رواه ترمذی/ج/۱/ص/۶۵۴ حدیث/۲۷۹۹.

بدون شک خداوند ذات خوشبو است و خوشبو پیرا دوست دارد و ذات پاک است و نظیف است نظافت را دوست دارد، کریم است نیکو کاری را دوست دارد، سخی است سخاوت را دوست دارد پس ظروف خود را پاک نگهداری کنید و خود را به یهود مشابه نسازید.

خلاصه دین مقدس اسلام هدایاتی زیادی در این مورد برای بشریت دارد که بصورت مؤجز از آن یاد آور می شویم:

۴ آب باید استاده نوشیده نشود، (عن انس(ع) ان النبی(ص) نهی ان یشرب الرجل قایماً) روایت ابوداود/ج/۱/حدیث/۳۴۲۴.

۴ آب باید به دو وسه نفس نوشیده شود و ابتداء نوشیدن نام خداوند ذکر شده در انتهاء ان الحمدالله گفته شود (عن ابن عباس لا تشربوا واحداً كشر البعير ولكن اشربوا مثنى و ثلاث و سمو اذا انتم شربتم، واحمدوا اذا انتم رفعتم) از ابن عباس(ع) روایت است که پیامبر(ص) فرموده: آب را به یک دم (دفعه) مانند شتر ننوشید و لیکن به دو دم و یا سه دم نوشیده در ابتدا آن بسم الله، و انتها ان الحمدالله بگوئید. روایت ترمذی، ۱/ص/۴۹۴ حدیث/۱۸۸۵

۴ چیزهائی نوشیدنی توسط دهن دمیده (پف) نشود (عن ابی سعید الخدری ان النبی(ص) نهی عن النفخ فی الشراب) یعنی پیامبر(ص) از دمیدن در نوشیدنی منع نمود. روایت ترمذی ۱/ص/۴۶۵ حدیث/۱۸۸۶.

۴ آب از حد زیاد نوشیده نشود چ پ پ پ چ الأعراف: ۳۱ یعنی بخورید و بنوشید و اسراف نکنید.

۵ آب از ظرف لب شکسته نوشیده نشود که سبب ایجاد مرض میشود. (عن ابی سعید الخدری(ع) نهی رسول الله عن الشرب من ثلمة القدح) روایت ابو داود ص / ۰۸۹ حدیث/۳۷۲۲

از ابی سعید خدری(ع) روایت است که پیامبر(ص) منع نمود از نوشیدن آب از کنار شکسته ظرف.

هدایت در مورد حریم چاهها و چشمه..... از نقطه نظر دین مقدس اسلام:

حریم از جمله حقوق ارتفاق است که عبارت از قطعه زمین میباشد در اطراف آن چیزهائیکه در آن حقوق ارتفاق وجود دارد مثل چاه، مسیل آب، چشمه، حوض..... و غیره.

مشروعیت حریم:

پیامبر(ص) برای چاه، چشمه، زمین و غیره حریم تعیین نموده قسمکه بعداً ذکر خواهد شد.

مقدار حریم از نقطه نظر فقهای اسلام:

در این مورد فقهای کرام نظریات متفاوتی دارند، که بذکر نظریه احناف اکتفاء میکنیم.

الف: حریم چشمه های جاری: حریم آن پنجمصد ذراع از هر جانب آن میباشد، و ذراع شش قبضه و هر قبضه چهار انگشت بوده که یک ذراع از ارنج تا به سر انگشت های دست تخمین شده است به اساس روایت امام زهری که ابوداود از آن در مراسیل خود روایت می کند:

((و حریم العین خمسمائة ذراع من کل جانب)) نصب الرایة ص/۲۹۲

حریم چشمه پنجمصد ذراع از هر جانب آن میباشد.

حریم چاه:

چاهها به دو قسم است یکی آنکه آب از آن به دست کشیده میشود و دوم آنکه آب از آن توسط ارت و یا وسایل کشیده میشود حریم اولی را چهل ذراع و حریم دومی را از چهل تا شصت ذراع تعیین نموده اند. البته به اساس اختلاف صاحبین و امام صاحب و حجت در این مورد قول پیامبر(ص) است که فرموده است: ((من حفر بئراً فله مما حوله اربعون ذراعاً)) رواه ابن

ماجه ج/ ۱ ص/ ۳۹۸ حدیث ۴۴۸۶ نصب الرایة ۴/۲۹۱

هر که چاهی حفر نماید، حریم اطراف آن برایش چهل ذراع میباشد.

و روی ((حریم بئر الناضح ستون ذراعاً))

و روایت شده، حریم چاهی که توسط آلات از آن آب کشیده میشود شصت ذراع است.

حریم کاریز:

حریم آن به اندازه مقدار شده که مصلحت در آن ایجاب می کند، و یا مفوض به امر امام است،

زیرا که نصی در این مورد وجود ندارد، الدرالمختار ج/ ۴ ص/ ۳۴۷.

حریم جوی آب:

حریم جوی ها نیز به اندازه ایکه مصلحت و بهبودی جوی ها ایجاب ی کند مقدر شده است. بناً دیده میشود که دین مقدس اسلام توجه عمیقی در مورد منابع آب دارد. و بدون شک ایجاد حریم برای منابع آب چیز است که در آن صلاح منابع آن از حیث پاکی و طهارت و صلاح

استفاده کنندگان در آن بویژه در آب های نوشیدنی، در نظر گرفته شده است تا از یک طرف آب پاک و قابل نوشیدن باشد و از طرف دیگر زمینه دستگیری آن مساعد گردد و همچنان از ترشح کثافات و جراثیم فاصله داشته باشد. و جراثیم ایکه از کثافات ترشح نموده زیرنشین میشوند در آن نفوذ نتواند.

چطور از آب استفاده صورت گیرد که به دیگران ضرر نرسیده باشد

برای استفاده در ست میتوان نکات را مد نظر گرفت:

۱ از مباح خورد آب طوری استفاده گردد که اسراف بوجود نیاید. تا دیگران به قلت آب برنخورند.

۲ حفاظت اطراف منابع آب، جدی در نظر گرفته شود، تا که آب های بین آن کثیف و چتل نشود.

۳ کسانیکه آب را توسط دلو و یا ظرفی دیگر از چاه میکشد، باید دست هایش و ظرفی راکه بکار می برد پاک و صفا باشد.

۴ از انداختن کثافات و بول و غایطه نمودن در نزدیک منابع آب جلوگیری شود.

۵ از نل های عمومی آب در مراکز تجمع مردم، کوچه ها، و بازارها طوری استفاده صورت گیرد، که نوبت سبقت کننده گان مراعات شده و سلامتی ابزار آب، نل، و پمپ آپ در نظر گرفته شود.

۶ سرهای چاها پوشیده نگهداری شود، و بعد از استفاده از آن دوباره سرپوش بران گذاشته شود.

مطالب ذکر شده مفهومی از قواعد کلیه ذیل در اسلام میباشد، که بر علاوه مفاهیم زیاد و بیشتری را احاطه کرده است.

الف: ((لاضرر ولا ضرار فی الاسلام)) یعنی نه خود متضرر شدن و نه بدیگران ضرر رساندن است در اسلام. روایت طبرانی معجم الوسیط/ الاقضیه ص ۵۲۲.

ب: ((ان الله يحب معالی الامور و یکره سفسافها)) رواه طبرانی ص ۲۶۵ کتاب ادب. یعنی خداوند(ج) امور عالی اخلاقی را دوست دارد و اموردنی و پست را بد می بیند.

ج: ((الطهور شرط الایمان)) یعنی پاکی بخشی از ایمان است. روایت مسلم در باب طهارت حدیث/۵۲۳.

د: ((ان الله طیب یحب الطیب، نظیف یحب النظافه کریم یحب الکریم، جواد یحب الجود، فنظفوا افنیتکم)) رواه ترمذی، ج/۱ ص/۶۵۴ حدیث/۲۷۹۹.

و در ضمن حدیث دیگری پیامبر(ص) میفرماید:

((**او کئو السقاء و اکفئوا الاناء او خمروا الاناء**)) روایت ترمذی، ج/۱ ص/۴۵۰.

یعنی دهن مشک را ببندید و ظرف را چپه به زمین بگذارید و یا اینکه فرمود که به ظروف روپوش بگذارید و امام مسلم در این روایت زیادتى دارد، که اسم خداوند را بر آن یاد کند، و در روایتی دیگری از مسلم آمده است. ((**غطوا الاناء و اوکو السقاء فان فى السنة لیه ينزل فیها و باء لایمر باناء لیس علیه غطاء او سقاء لیس علیه وکاء الانزل فیہ من ذلک اول و باء**)) روایت مسلم ص/۹۵۳ حدیث/۵۲۲۲. بپوشانید ظروف را، و ببندید دهن مشک را، بدون شک شبی در بین سال است که در آن شب و باء نازل میشود، که این و باء در وقت مرور در ظروف ایکه سرش بند نیست داخل خواهد شد.

امام نووی میفرماید که هدایت اسلام در احادیث فوق مطالب ذیل را در بردارد:

۱- صیانت ظروف از شیطان.

۲- صیانت ظروف از وباء و امراض.

۳- صیانت ظروف از نجاست.

۴- صیانت از حشرات و هوا که میشود به غفلت توسط آب خورده شود و باعث مریضی گردد.

هدایت در مورد نظافت از نظر دین مقدس اسلام:

اسلام به پیروان خود هدایاتی دارد که به موجب آن ایشان را ملزم به مراعات نظافت در همه ابعاد حیات و زندگی ایشان می گرداند.

اسلام هدایت می دهد به:

الف: پاکی بدن.

ب: پاکی جامه.

ج: پاکی جای و مکان.

د: پاکی مواد غذایی و نوشیدنی.

هـ: استعمال اشیائیکه باعث پاکی و خوشبوئی میشود.

بناء اسلام دین و روش خداوند پاک و نظیف است که نظافت را در همه ای امور زندگی بشر

دوست دارد. ((**ان الله نظیف یحب النظافة**))

خداوند (ج) پیدا کرده از آب هر جنبنده را.

و ابو حاتم البستی در مسند صحیح خویش از ابی هریره روایت می کند که گفت: برای پیامبر(ص) فرمودم: ای رسول خداوند! وقتیکه ترا می بینم خوشحال می شوم و چشمهایم روشن میشود، برایم خبر بدهید از خلقت هر چیز؟ پیامبر(ص) فرمودند: ((کل شیء خلق من الماء)) ج/۱/ص ۱۸۹ هر شی از آب پیدا شده است.

از اینکه آب اساس حیات موجودات زنده را تشکیل میدهد که بقایی ایشان بدون آن ممکن نخواهد بود، روی این اساس خداوند بخاطر تحقیق توحید اهمیت آنرا برای انسان ها پیشکش میفرماید که به آن باندیشند و به خالق یگانه آن ایمان آرند.

قسمکه میفرماید: چ چ چ چ چ چ د د د د د د چالک: ۳۰

بگو برای ایشان ای محمد(ص) آیا گاهی فکر کردید که اگر آب چاهها و چشمه ها و دریاهاى شما در طبقات پایین زمین که قادر بکشیدن آن نشوید فرورود پس کیست که می آورد برای تان باردیگر آب جاری را که فرو رفته است. بلی هیچ کس نمیتواند، این فضل و کرم خداوند یکتا است که آب را برای تان در جمیع اقطار زمین به کمیت هایی مناسب بخاطر تحقیق حاجت بشری در جریان قرار داده و میچرخاند انسان ها از آن بنوشند و استفاده کنند و خالق آنرا به یگانگی شناخته خاص او را عبادت کنند.

آب تا چه حد در بین مردم تقسیم شده میتاند؟

تقسیم آب یکی از جمله حقوق ارتفاق از نظر فقهاء اسلام است. ارتفاق عبارت از حقوق انسان ها بر زمین یک دیگر میباشد که شامل حق راه و طریق، حق مجری و مسیل آب، حق منازل بالا و پایین، حق جوار و همسایگی و حق استفاده از آب برای نوشیدن و آبیاری میباشد.

مشخصات:

الف: از حقوق ارتفاق طوری انتفاع صورت گیرد که سبب اضرار دیگران نشود، عملاً به قاعده ((لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام)) در اسلام نه خود متضرر شدن است و نه به دیگران ضرر رساندن.

ب: حقوق ارتفاق در املاک عامه، عام برای همه ای مردم میباشد.

ج: حقوق ارتفاق در املاک خاصه که بفرد و افراد تعلق دارد خاص به مالکش بوده کسی دیگر حق ارتفاق بدون اذن مالک در آن ندارد.

د: اگر سبب حق ارتفاق در یک شی معلوم و معروف نبود حق انتفاع به صاحبش گذاشته میشود و ان شیء به اساس قاعده فقهی ((القدیم علی قدمه)) قدیم فرض میشود بشرطیکه به کسی دیگر ضرر نرساند ((لان الضرر لا یكون فدیماً)) بخاطریکه ضرر قدیم نمیباشد. بناءً آب از نظر دین مقدس اسلام و عرف قابل تقسیم بوده و میباشد که مردم میتواند به اساس شروط و شرایط که دارداران استفاده نموده در بین خویش آنرا تقسیم کنند. همچنان مردم میتواند که آب را بفروشند و بخرند باینکه در اصل برای مردم مباح خلق شده و طبق فرموده پیامبر بزرگ اسلام(ص) همه مردم در آن شریک اند.

تقسیم آب از نظر اسلام و عرف، اهداف، مشخصات، مشابهت ها.....

تقسیم آب را از نظر فقه اسلامی حق الشرب و الشفه(حق آبیاری و نوشیدن) میگویند: ((والشرب)) بکسر شین در لغت بمعنی حظ و نصیب آب میباشد، قسمکه خداوند(ج) از

چالشعراء: ۱۵۵

صالح ► حکایت میکند: چ

گفت: این ماده شتریت او را یک نوبت آب خودرن است و شما را نوبت روزمعین. ونیز بمعنی زمان شرب و نوبت انتفاع از آب و یازمان انتفاع از آن اطلاق شده است، و در اصطلاح شریعت حق الشرب عبارت از حق استفاده از آب برای آبیاری میباشد. و حق الشرب بضم الشین و الشفه، عبارت از حق استفاده از آب برای نوشیدن و رفع دیگر ضروریات خانه میباشد، پس گفته میتوانم معانی را که شریعت اسلام از نقطه نظر خود بیان میدارد، عیناً معانی است که در عرف بشری دیده میشود که در جامعه ها به نام نوبت آب و قسمت آب، یک چاک آب، یک پاو آب، یک دهنه آب و غیره معروف و مروج است، که البته خود رنگی است از شریعت اسلامی و شریع آسمانی.

اهداف حق الشرب و الشرب (حق آبیاری و حق آب نوشیدن):

۴ از اینکه انسان ها و حیوانات و نباتات همه ضرورت اشد به آب دارند و بدون آب زنده مانده نمیتوانند، و انسانها حق دارند که از آب استفاده نمایند، آب بنوشند، به حیوانات خویش آب بدهند و کشت و زراعت خود را آبیاری کنند.

۴ بخاطر تحقق این حق و حاجت خصوصاً در مورد انسان ها که خلافت روی زمین و مالکیت موجودات دیگر به آن تعلق میگرد ضرور بود که قوانین و ضوابط منصفانه ای دربین شان وجود داشته باشد که برویت آن ضرورت خود و حیوانات خود و از کشت و زراعت خویش را مرفوع دارند.

۴ پس وضع قوانین شرعی برای تنظیم این حق و رفع ضرورت مردم در این زمینه بویژه قاعده کلیه آن ((لاضرر ولاضرار فی الاسلام)) بیانگر توجه عادلانه اسلام است در مورد حقوق ارتفاق که لازم است هیچ کسی در این حقوق متضرر نشود. همچنان استفاده عادلانه از این حقوق معقول و منظور بشری بوده زیرا وجدان هر انسان خواست عادلانه دارد.

۴ از اینرو استکه در بین عرف بشری و عرف شرعی کدام تفاوت دیده نمیشود و اگر تفاوت دیده شود بیان گر ظلم خود انسان ها خواهد بود.

انواع و مشخصات آب از نقطه نظر حق شرب و نوشیدن

آب از حیث حق شرب و نوشیدن به چهار نوع تقسیم میشود که هر یک مشخصه خود را دارد:

۱ آب هایکه در ظروف قرار داده میشود (الماء المحرز).

۲ آب چشمه ها، حوض ها، چاه ها.

۳ آب نهرها، وجوی ها خورد خصوصی.

۴ آب نهر های عامه.

نوع اول:

آب هایکه در ظروف مانند مشک، بوشکه، سطل، مخزن و غیره وسایل مروجه انداخته میشود و محروز میگردد، احکام مشخص بخود دارد:

الف: ملکیت در آن برای صاحبش ثابت میشود.

ب: هر نوع تصرف برای مالکش ثابت است.

ج: بجز مالکش کسی دیگر حقت انتفاع ندارد مگر به اذن مالک.

در حالت اضطرار استفاده از این نوع آب برای مضطر جواز دارد ولو اگر در صورت منع باستعمال قوه هم باشد (البته بدون استعمال سلاح).

در صورت استفاده مضطر از این نوع آب، دفع قیمت آب به اساس قاعده ((الاضطرار لایبطل حق الغیر)) بر مضطر خواهد بود. یعنی حالت اضطرار حق غیر را از بین برده نمیتواند.

مطالب فوق را فقهاء از این حدیث مروی از پیامبر(ص) اخذ نموده اند: **فقد روی عن النبی(ص) انه (نهی عن بیع الماء الاماحمل منه) الاموال لابن سلام ص/۲۰۳**. این ماجه کتاب رهون.

از پیامبر(ص) روایت شده که ایشان منع فرمودند از فروش آب مگر در صورتیکه چیزی از آن نقل داده شود و در ظرفی انداخته شود.

نوع دوم: آب چشمه ها و چاه ها و حوض ها

این نوع آب ها احکام و مشخصات ذیل را با خود دارد:

الف: در این نوع آب ها صاحب آن ملکیت تام نداشته بلکه یک نوع حق خاص نسبت به دیگران دارد برابر است که این نوع آب در زمین مباحه باشد و یا در زمین مملوکه به حجت اینکه آب در اصل مباح خلق شده قسمکه پیامبر(ص) میفرماید: **((الناس شركاء فی ثلاث الماء والكلاء و النار و فی روایة و الملح))** روایت ابوداود ص/ ۵۵۵ حدیث/ ۳۴۷۷.

مردم در سه چیز شریک اند در آب و علف حیوانات (البته علف خود رو) و در روشنی آتش (البته در صحرا) و در روایت دیگری نمک هم ذکر است.

ب: بیع این نوع آب جواز ندارد مگر اینکه در ظروف آنداخته شود.

ج: انسان ها از آن برای نوشیدن و ضروریات خانه و مواشی ایشان استفاده میتوانند.

د: اگر این نوع آب در زمین مملوکه باشد و داخل شدن مواشی به صاحب آن ضرر رساند ممانعت از داخل شدن مواشی در صورتیکه مشرب دیگری وجود داشته باشد جواز دارد.

ه: در صورت اضطرار وعدم موجودیت آب دیگر مضطر میتواند به اجازه صاحب آن از آب استفاده کند و اگر اجازه نداد میتواند به استعمال قوه و لو اگر سلاح هم باشد آب بگیرد تا دفع هلاکت شود. حجت در این موضوع قول حضرت عمر(ع) است در مورد جماعه ای که وارد چاه آب شدند و از صاحب آن آب برای خود و مواشی ایشان خواستند ولی صاحب چاه از آب دادن ممانعت نمود بعداً واقعه را به امیرالمؤمنین قصه کردند و جناب ایشان فرمودند: **((هلا وضعتم فیهم السلاح))** الخراج / ص / ۹۷.

چرا در مقابل ایشان سلاح را استعمال نکردید.

و قاعده کلیه در این مطلب همان حدیث صحیحین است که پیامبر(ص) میفرماید **((لا تمنعوا فضل الماء لتمنعوا به الكلاء))** متفق علیه بخاری/ مساقات/ حدیث ۲۳۵۳ و مسلم مساقات حدیث/ ۳۹۸۳.

یعنی، آبکه از شما اضافه میشود آنرا بر حیوانات منع نکنید. بخاطریکه ماشیه نزدیک آب میچرند و اگر از آب منع شوند از خوراک منع میشوند و باعث هلاکت ایشان میشود. و: در این نوع آب ها حق آبیاری زراعت و باغ و جو ندارند مگر به اذن صاحب آن.

نوع سوم: آب آنهار خاصه

آب نهرهای وجوی های خوردی است که به ملکیت بعضی از افراد تعلق می گردد و مبتنی به مشخصات و احکام ذیل میباشد:

الف: این آب هم ملکیت تام کسی نیست بخاطر اصل اباحت آب.

ب: برای هر انسان انتفاع رزآن برای ضروریات خودش و مواشی اش جواز دارد و لو اگر ضرر کمی متوجه صاحب آن هم شود.

ج: حق آبیاری در این نوع آب برای کسی وجود ندارد مگر به اذن صاحب آن.

نوع چهارم: آنهار عامه بزرگ

عبارت از نهرهای است در مجاری عامه جریان دارد و ملکیت کسی نیست، بلکه همه مردم در آن شریک میباشند مثل: دریاها بزرگ، ابحار وغیره.....

این نوع آب مشخصات و احکام خود را ذیلاً دارا میباشد.

الف: این نوع آب ها حق همه مردم است و هر کسی از آن استفاده کرده میتواند.

ب: از آن هر کسی برای نوشیدن خود و مواشی خویش استفاده میتواند.

ج: حق آبیاری برای همه از آن ثابت است.

د: مردم جوی های خورد از آنها بزرگ برای آبیاری خویش جدا میتوانند.

ه: نصب وسایل برای اخراج آب بر آن جواز دارد.

و: حاکم از این نوع آب ها و استفاده از آن را منع نمیتواند مگر در صورتیکه طریق استفاده

کسی باعث ضرر به فرد دیگری و اجتماع و یا خود نهر شود. یعنی اباحت تصرف در این نوع آب

ها مشروط به انتفاء ضرر است حجت در این مورد همان قول پیامبر(ص) است که ذکر شده:

((الناس شركاء فی ثلاث: الماء و الكلاء و النار)) همچنان ((لاضرر ولا ضرار فی الاسلام))

مرجع سابق.

یک سلسله برداشت همه جانبه از مطالب گذشته زیر عنوان تقسیم آب از نظر اسلام و عرف:

به اساس مباحث گذشته و تحقیق مسله تقسیم آب از نظر اسلام و عرف گفته میتوانیم که:

الف: تقسیم آب یک ضرورت اجتماعی بوده و آب قابل تقسیم است و لازم است که تقسیم آب

قسمی باشد که سبب اضرار دیگران نشود. عملاً به قاعده ((لاضرر ولاضرار فی الاسلام)).

ب: آب مشترک در اجتماع و در بین مردم باید به عدل و انصاف توزیع و تقسیم شود تقسیمات

آب میتواند که:

4 به نوبت زمانی باشد.

۴ یا به دهنه کشیدن مناسب با مساحت زمین باشد.
۳ و یا به کشیدن جوی های مناسب برای هر منطقه و قوم باشد.
۴ و یا به نصب کردن آلات باشد طوریکه آب را مساوی انتقال دهد.
ج: هر گاه آب بصورت عادلانه تقسیم شد تغییر دوباره توزیع آب برضاء همه مردم صورت خواهد گرفت پس هیچ کس نمیتواند که خودسرانه جوی خاص برای خود حفر کند و یا دهنه آب را فراخ نماید، و یا قسمت به ایام، و یا چارک و یا پاوه و یا دهنه رابه یک دیگر تبدیل کند.
د: آب باران وسیل و نهـر کوچک که بر آن ازدحام باشد طبق فرموده پیامبر(ص) طوری تقسیم میشود که از طرف بالا یعنی نزدیک به آب شروع شده و به طرف پایین می انجامد قسمکه پیامبر(ص) میفرماید: ((ان الاعلی یشرب قبل الاسفل و یترک الماء الی لکعبین ثم یرسل الماء الی الاسفل الذی یلیه و کذلک حتی تنقضی الحوائط او یفنی الماء)) رواه ابن ماجه ج/۱ ص/۳۹۷ حدیث/۲۴۸۳.

مفهوم فرموده پیامبر(ص):

الف: زمین ها از طرف سراب آب داده شود.

ب: آب در بیخ نبات برسد.

ج: بعداً آب به زمین پهلوی اش انتقال داده شود.

د: این چنین عملیه صورت گیرد تا که باغها و زمین ها سیراب شود و یا آب تمام شود.

هـ: چون حقوق مشاع میباشد وهمه در آن صورت مشاع حق دارند و حقوق مردم در آبهای مشترک نیز مشاع میباشد.

و: تقسیمات آب در بین مردم صورت عادلانه همان قسمکه شرعی و منقول است، همچنان معقول و معروف هم است و عرف مردمی در این مورد امروز اغلباً کدام مخالفت با شریعت ندارد بخاطر اینکه عرف عام صحیح که مابعداً در مورد آن بحث تفصیلی خواهیم کرد، خودش یکی از دلایل شرعی میباشد و اما کسانیکه انتفاع از آب ها را بصورت کلی و یا جزئی بزور قبضه میکنند عمل ایشان شرعاً و عرفاً مردود بوده قابل بحث نیست بخاطر اینکه اگر مردم به دفع ضرر آن قادر نباشد لازم است دولت جلو ظلم او را بگیرد و اگر دولت جلو ظلم او را گرفته نمیتواند در این صورت یا دولت وجود ندارد و یا اینکه با او شریک در ظلم است.

مالکیت آب و تفکیک میان مالکیت عمومی و فردی

با اینکه این موضوع در ضمن بحث قبلی بشکل تفصیلی تذکر یافته است باز هم بخاطر جمع نمودن موضوع بحیث خاتمه بحث و برداشت آنی از آن مطالب ذیل را تکراراً ترقیم میداریم:

۱ آب ملکیت افراد شده میتواند در صورتیکه محروز گردیده در ظرف انداخته شود به دلیل

قول پیامبر(ص) ((نهی عن بیع الماء الا حمل منه)) الاموال لابن سلام ص/۳۰۲.

۴ آب چشمه ها و چاه ها و حوض ها همچنان ملکیت تام کسی شده نمیتواند مگر برای

صاحب آن یک نوع حق خاص نسبت به دیگران است. بدلیل اینکه آب برای همه مباح خلق

شده و پیامبر(ص) میفرماید: ((الناس شركاء فی ثلاث، الماء والكلاء والنار فی روایة

والملاح))

۳ آب نهرهای خاص که به ملکیت بعضی افراد تعلق میگیرد اما این ملکیت به اندازه نیست که

ملکیت تام را افاده کند به این معنی که یک فرد مالک رقبه شی و منفعت از آن باشد و دیگران

حق انتفاع را نداشته باشند. بخاطرایکه آب در اصل اش مباح خلق شده است، میتوان گفت که

این نوع آب ها ملکیت ناقص را افاده میکند که دیگر آن نیز حق انتفاع را دارند ولی حق ابیاری

را ندارند مگر به اذن صاحب آب.

۴ آب انهار عامه و بحرهای ملکیت کسی شده نمیتواند و همه در آن شریک اند مانند انتفاع از

افتاب و مهتاب و هوا.

در افغانستان در مواردیکه تقسیم آب مورد مناقشه باشد در بعضی موارد فیصله های شرعی صورت میگرد و در بعضی حالات فیصله به اساس عرف و عادات صورت میگرد کدما یکی از این طرق در افغانستان از لحاظ شرایط جغرافیایی تطابق بیشتر دارد. آیا فیصله های متکی بر عرف و عادات با احکام فقه در تناقض است؟

برای حل این سوال لازم است که اولاً مکانت عرف را از دیدگاه شریعت برسی نموده بعداً دیده شود که تطابق و تناقض آنها تا چه حد در این زمینه وجود دارد در مورد عرف و یا عادات امام نسفی رحمته اللہ علیہ عبدالرحمن بن احمد میفرماید:

عرف و عادت:

آنچه است که در نفوس و عقول مستقر شده باشد و طباع سلیمه آنرا پذیرفته باشد. و ابن عابدین میفرماید: عادت از معاودت گرفته شده و معاودت معنی تکراری چیزی را به کرات و مرات ارائه میدارد. همچنان عرف به اساس تکرار و معاودت آن در جامعه معروف شده در نفوس و عقول مستقر میگرد. که همه مردم بدون در نظر داشت کدما علاقه و قرینه آنرا میپذیرند بناء عرف، عادت جماعی مردم است.

فرق بین عرف و اجماع:

اجماع عبارت از اتفاق مجتهدین امت مسلمه در مورد یک قضیه میباشد در حالیکه عرف روش اکثریت عوام و خواص مردم بدون شرط اتفاق ایشان در مورد قضیه است. عرف و عادت شامل بخش عملی و قولی میگرد.

عرف عملی: عبارت از عمل کردی است که مردم بر آن عادت بوده و در بین تمام طبقات مسلمانان مروج باشد اگرچه در یک عصر هم باشد. مانند تقسیم مهر به مهر معجل و مهر مؤجل.

عرف قولی: عبارت از اطلاق الفاظی است برای ارائه معنی خاصی که در وقت اطلاق بجز آن معنی مفهومی دیگری در ذهن نیاید اگرچه معنی لغوی آنرا تائید هم نکند مانند اطلاق (ولد) تنها به پسر.

اقسام عرف عملی و قولی: به دو قسم است عرف عام و عرف خاص

۱ عرف عام: آنست که در تمام شهرها و در بین طبقات در وقتی از اوقات مروج باشد.

مانند: عقد استصناع و داخل شدن به حمام بدون تقدیر مدت مکث در آن و اطلاق لفظ حرام بمعنی طلاق.

۲ عرف خاص: عبارت از تعامل که مربوط یک شهر خاص و یا اقلیم خاص و یا طائفه خاص از مردم میباشد. مانند اطلاق (دابۀ) بر اسپ، نزد مردم عراق و مانند عرف تجاران و دهقانان.

تقسیم عرف از حیث صحت و فساد

۱ عرف صحیح: آنست که حلالی را حرام و حرام را حلال نسازد مانند تقسیم مهر به معجل و مؤجل.

۲ عرف فاسد: آنست که حلالی را حرام و حرام را حلال بسازد مانند اختلاط زنان با مردان در اجتماعات و تقدیم مسکرات در مهمانی و غیره

آیا عرف حجت است؟

فقهاء اسلام بر آن اند که عرف در تشریح اسلامی حجت و دلیل است خداوند(ج) میفرماید:

چ چ ج ج چ چ چ چ الأعراف: ۱۹۹

عفوہ را پیشه کن، و به معروف امر کن، و از جاهلان اعراض کن. البته استدلال به کلمه عرف در این آیت مبنی بر معنی لغوی آن است یعنی (کاری مستحسن و مالوف) که این معنی در تائید معنی اصطلاحی عرف نقشی مانوسی دارد و اگر نه معنی اصطلاحی فقهی عرف صد در صد از آن مراد نمی باشد.

عبدالله بن مسعود(ع) میفرماید: ((**مأراه المسلمون حسناً فهو عند الله حسن وما رآه**

المسلمون سيئاً فهو عند الله سيئاً)) روایت حاکم فی المستدرک ج/۳/۷۸ فضائل ابوبکر.

آنچه (عملی) را که مسلمانان نیک می پندارند، پس آن در نزد خداوند(ج) نیز بد است.

بناء عرف را که مسلمانان آنرا نیک پنداشته اند و به آن مجموعاً عمل می کنند و مخالفت با حلال و حرام ندارد، بدون شک در نزد خداوند نیز محکوم به اعتبار خواهد بود.

پس به اساس آنچه که ذکر شد فقهاء اسلام بخصوص فقهاء حنفی و مالکی عرف را دلیل شرعی و اصلی از اصول استنباط دانسته اند و ثابت به عرف صحیح را ثابت به دلیل شرعی میدانند.

امام سرخی رحمته الله در مبسوط می فرماید: ((**الثابت بالعرف كالثابت بالنص**)) یعنی آنچه که به

عرف ثابت است مثل آنست که به دلیل شرعی ثابت باشد، همچنان فقهاء میفرمایند: ((**كل**

ماورد به الشرع مطلقاً ولا ضابط له فيه ولا في اللغة يرجع فيه الى العرف)).

هر آنچه که شرع مطلق ذکر کرده است و ضابطه برایش در شرع و لغت (زبان) وجود ندارد در فهم و تطبیق آن به عرف رجوع میشود مانند، تفرق در بیع، و قبض، و وقت حیض و قدر آن و محرز بودن مال در سرقت.....

خلاصه عرف در نزد فقهاء امت مسلمه مقبول و منظور است، البته عرف صحیح، عام و مطرد که از عهد صحابه کرام تا به امروز مخالفت نصوص و قاعده اساسی شرعی را نکرده است، حتی تا

اندازه ای که احناف قایل به ترک قیاس هستند در صورت موجودیت عرف عام، و همچنان او را مخصص دلیل شرعی میدانند، مانند، عقود استصناع و اجاره، سلم، دخول حمام و غیره. و مانند عرف مردم در عادات تجارت، زراعت، نقشه های سیاسی و نظام های اقتصادی و انتاجی، و امور و مواردیکه مصالح ایشان بر آن بناء است، چونکه مقصود از تشریح همه دفع حرج و مشقت از انسان ها بوده و تحقیق مصالح ایشان میباشد. پس گفته میتوانیم که در افغانستان در مواردیکه تقسیم آب مورد مناقشه باشد فیصله های شرعی و فیصله های عرفی در این زمینه با همه در تناقض و تضاد نیستند، و هر کدام جایش را دارد، با اینکه قبلاً تذکر رفت که عرف عام صحیح خود دلیل شرعی است، و اطلاق دلیل شرعی را خاص و مشخص میسازد، و زمانکه اسلام میفرماید: که مردم در آب شریک اند، تقسیم آب را در بین ایشان به اساس قوانین عرفی صحیح تأیید می کند حتی بسیاری از قوانین شرعی مثلکه قبلاً ذکر شد روی اساسات عرفی می چرخد. از اینکه مقصود از تشریح و اصول شرعی همان دفع حرج و مشقت از انسان ها و تحقیق مصالح ایشان میباشد بناءً کار برد اساسات عرفی صحیح در جائیکه شرایط و مصالح ایجاب میکند کدام تناقض با شریعت ندارد بلکه خود اصل شرعی است.

نتایج این بحث بشکل فشرده

الف: عرف عام صحیح خود دلیل شرعی است بدلیل حدیث عبدالله ابن مسعود(ع) آنچه را که مسلمانان نیک می پندارند او در نزد خداوند(ج) نیز نیک میباشد، و آنچه را که بدمی بینند، آن چیز در نزد خداوند(ج) نیز بد میباشد.

ب: هر آنچه را که شرع مطلق ذکر کرده است وضابطه برایش در شرع و لغت ((زبان)) وجود ندارد، در فهم تطبیق آن به عرف رجوع میشود، مانند محروز بودن مال در سرقت، و وقت حیض و قدر آن،

ج: عرف مقبول بالاتفاق: عرف صحیح، عام، مطرد، از زمان صحابه کرام تا به امروز، که مخالف نص شرعی و قاعده اساسی نباشد.

د: ترک قیاس به اساس عرف عام تناقض با ادله شرعی نبوده بلکه مخصص دلیل شرعی است. مانند عقود استصناع و اجاره و سلم و غیره پس فیصله به اساس عرف صحیح تناقض با حکم فقهی ندارد.

ه: عرف عام مخصص لفظ عام، و مقید مطلق مفسر حقیقت لفظ از حیث لغت، و مفسر نصوص شرعی میباشد در صورتکه عرف در حال ورود نص قایم و مروج باشد.

و: احکام شرعی مبنی براساسات عرفی با تغییر نمودن عرف نظر به زمانه، همچنان تغییر می نماید، از این سبب یکی از شروط اجتهاد است که مجتهد عالم به عادات مردم زمانه اش باشد، که این تغییر به اساس دو سبب رخ خواهد داد یکی حدوث ضرورت و دیگری فساد اهل زمان مانند، جواز اخذ اجرت برتعلیم قرآن، امامت، و اذان وغیره که در صورت اشتغال این افراد به کسب و کار اهمال در تعلم و تعلیم قرآن، احکام شرعی و شعایر دینی بوجود می آید.

ز: عرف خاص از خصوصیات عرف عام برخوردار نیست بناءً در مقابل نص شرعی اعتبار ندارد، قیاس به آن ترک نمیشود اثر و نص به آن خاص نمیشود.....

ح: عرف فاسد: در هیچ صورت اعتبار ندارد و اگر اعتبار داده شود شریعت در مرور زمان از بین خواهد رفت و جایش را مفاسد و منکرات خواهد گرفت مانند نوشیدن شراب و فروش آن و پوشیدن حریر ((ابریشم)) و طلا، قمار و خروج زنان متبرجات ((برهنه و نیمه برهنه)) دست به دست گشتن مرد و زن، مزاحمت زنان مردان را در موترهای عامه، کشف عورات، دیدن افلام غیر اخلاقی سینمایی، و غیره مفاسد اخلاقی واجتماعی.

ط: فیصله در مناقشات ذات البینی در موارد تقسیم آب یابه اساسات عرف عام صحیح صورت خواهد گرفت و یا به اساس حکم فقهی و اگر فیصله به سبب مناقشات و مجادلات شدید از هر دو مصدر فراتر رفت، جز صلح راهی دیگری ندارد در این صورت صلح نیز از ادله شرعی بوده چنانچه خداوند میفرماید: *چذ نثت چالنساء: ۱۲۸* یعنی صلح بهتر است.

و پیامبر(ص) میفرماید: امضاء صلح در بین مسلمین جائز است مگر صلح که حرام را حلال سازد و حلال را حرام سازد. روایت ترمذی ص/۳۴۷ حدیث/۱۳۵۲ باب فی الصلح.

و فیصله ها ایکه به اساس صلح میشود. آنها نیز بشکل اغلب منشاء عرفی و فقهی میداشته باشد. و اگر احیاناً منشاء عرفی و فقهی نداشته باشد باز هم تحت اصل خود صلح داخل میشود که کدام منافات و تناقض با احکام فقهی بوجود نمی آید. مثلاً یک مالک میتواند از حق خویش برای دیگری بگذرد و از آن به هدیه و تبرع تعبیر نماید.

تقسیم آب میان کشورهای همسایه در اسلام.....

تقسیم آب میان کشورهای همسایه تعلق به حقوق ارتفاع گرفته و قیاس به حق جوار و همسایگی میشود. پس بخاطر توضیح موضوع روی مطالب ذیل بحث خواهیم کرد:

۱ حق جوار همسایگی

۲ انواع جار و همسایه

۳ احکام حق جوار

۱ حق جوار: عبارت از حق همسایگی ای است که هر کدام از حقوق ارتفاع در مقابل یکدیگری مستفید بوده بشرطیکه متضرر به ضرر فاحش نشوند.

۲ انواع جار و همسایه:

الف: جار ملاصق: دو همسایه ای که زمین ایشان در دو کنار منبع آب قرار داشته باشد و یا زمین همسایه فاصل باشد در بین منبع آب که مالک آن همسایه دیگر است.

انواع جار ملاصق:

۱ یا مسلمان است

۲ یا کافر ذمی است

۳ یا کافر محارب است

احکام این نوع:

۱ مسلمانان نسبت به یکدیگر قسمه قبلاً مفصلاً بحث شد از حقوق ارتفاع در مقابل یکدیگر حظ و نصیب دارند.

۲ کفار اهل ذمه، از اینکه به اسلام تسلیم هستند جزیه و خراج میدهند، بناءً از حقوق ارتفاع، حق آبیاری، نوشیدن و استفاده کردن، مجری و مسیل به اساس تقسیمات قبلی آب در بین شان نصیب و بهره دارند.

۳ کفار محارب: اگرچه این ها امکان دارد احیاناً در اصل منبع و یا در آب شریک باشند و یا مالک یک منبع باشند اما به خاطریکه به خداوند ایمان نمی آورند و یا حاضر به جزیه و خراج نمیشوند و با مسلمانان می جنگند درین صورت اسلام قطع آب را بر رخ ایشان تجویز داده ایشان را از حقوق ارتفاع محروم میسازد. تا اینکه از محاربه دست بکشند و به حکم اسلام قانع شوند. چنانچه در اکثر حروب صدر اسلام این فیصله مشاهده شده است.

ب: جار غیر ملاصق به منبع آب قسمه منبع آب در زمین و یا محیط کسی دیگری باشد.

انواع جار غیر ملاصق.

۱ یا مسلمان است

۴ یا اهل ذمه است

۳ یا کافر حربی است

احکام این نوع:

۱ ۴ : در دو صورت اول، مسلمانان و اهل ذمه برابر است که بشکل کشورها همسایه با یکدیگر باشند و یا بشکل همجواری در منطقه، در هر دو صورت از حقوق ارتفاق بهره دارند و در صورتی که منبع آب ایشان یکی باشد بعداً به زمین های کشور دومی آب فرستاده میشود قسمکه پیامبر(ص) میفرماید: ((ان الاعلیٰ یشرب قبل الاسفل و یترک الماء الی الکعبین ثم یرسل الماء الی الاسفل.....)) مرجع سابق.

یعنی زمین بالا نزد یک به آب اولاً خوب آب داده شود تا به بیخ نبات برسد. و بعداً آب به زمین پائین که در پهلوی زمین اولی است فرستاده شود.....

۳ اما کفار حربی که بشکل کشور قراردارند از امتیاز اهل ذمه بهره مند نیستند بخاطریکه آنان جزیه و خراج نمی دهند و تسلیم به اسلام نیستند پس قطع کردن مجری آب و منبع آب برایشان جواز دارد ولو اگر در اصل آب شریک هم باشند قسمکه پیامبر(ص) در بعضی عزوات آب را بر رخ کافر بسته نموده است وهمچنان مسلمانان میتوانند آب را بالای ایشان بفروشند، بخاطراینکه بودن آب در سرزمین اسلامی حیثیت محروز بودن آنرا در یک ظرف دارد البته نسبت به یک کشور کفری.

مأخذ و مراجع

- ۱ القرآن کریم
- ۲ صحیح البخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری متوفی/۲۰۶هـ طبع دارالکتب بیروت ۲۰۰۹ میلادی.
- ۳ صحیح مسلم، مسلم بن حجاج النیسابوری متوفی/۲۶۱هجری طبع دارالمعرفه بیروت ۲۰۰۷ میلادی.
- ۴ سنن الترمذی، ابو عیسی، محمد بن عیسی الترمذی متوفی/۲۹۷هجری طبع دارالکتب بیروت ۲۰۰۸ میلادی.
- ۵ سنن ابی داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، متوفی/۲۷۵هجری طبع دارالکتب العلمیه بیروت.
- ۶ نصب الرایه (علامه جمال الدین) متوفی/۷۶۲هجری قمری طبع کراچی پاکستان.
- ۷ کتاب بدائع الصنایع امام کاسانی متوفی/۵۸۷هجری قمری طبع دارالکتب العلمیه بیروت.
- ۸ الدر المختار (علاء الدین ابن علی) طبع پاکستان.
- ۹ المدخل الفقهی العام (مصطفی احمد الزرقاء) دارالفکر، بیروت.
- ۱۰ الهدایه (برهان الدین مرغینانی) متوفی/۵۹۳هجری طبع پاکستان تاج محل.
- ۱۱ کشاف القناع (منصور بن یونس البهوتی) طبع دارالکتب بیروت.
- ۱۲ الخراج (لابی یوسف) طبع پاکستان.
- ۱۳ رد المختار (ابن عابدین) دار الفکر بیروت.
- ۱۴ تبیین الحقایق (زیلعی) عثمان بن علی) طبع دارالفکر بیروت.
- ۱۵ مغنی المحتاج (محمد الخطیب)، طبع دارالفکر بیروت.
- ۱۶ شرح المذهب (نووی محی الدین بن شرف)، طبع دارالفکر بیروت.
- ۱۷ المغنی (ابن قدامه)، متوفی/۶۲۰ طبع دارالفکر بیروت ۲۰۰۸ میلادی.
- ۱۸ المؤتمر العام، در مورد نقش آب در تضمین امن غذائی سال ۱۰ ۱۲ ۲۰۰۳ در روم.

اعداد و تهیه: استاد عبدالقادر
کمپوز: محمد کریم ملاخیل
مؤسسه تحصیلات عالی سلام